

شماره ترتیب چاپ ۲۱۳

شماره ۷۲۱۶۶
تاریخ ۵۹/۱۲/۱۴
حجت الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

لایحه مربوط به قصاص از ماده ۵۵ الی ۹۹ که در جلسه مورخ ۵۹/۱۲/۹ به تصویب هیات وزیران رسیده است به پیوست تقدیم و تقاضای تصویب آن را دارد .

نخست وزیر - محمد علی رجائی

لایحه مربوط به قصاص از ماده ۵۵ الی ۹۹

ماده ۵۵ - هرگاه کسی محکوم به قصاص را رهائی دهد باید به حبس برود تا قاتل را تحویل مقامات نماید و چنانچه قاتل قبل از تحویل بمیرد دیه مقتول بمهره آنکسی است که او را فرار داده بود .

ماده ۵۶ - هرگاه مجنی علیه قبل از مرگ از قصاص عفو کند حق قصاص ساقط نمیشود بلکه ولی دم میتواند پس از مرگ او قصاص را مطالبه نماید .

(قسم دوم قصاص عضو)

ماده ۵۷ - قطع عضو یا جرح آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است و مجنی علیه میتواند باذن ولی مسلمین یا نماینده او جانی را با شرایطی که میآید قصاص نماید .

ماده ۵۸ - قطع عضو یا جرح آن در موارد زیر عمدی است .

الف - مواردی که جانی با انجام کاری قصد قطع عضو یا جرح آن را دارد خواه آن کار نوعاً موجب قطع یا جرح باشد خواه نباشد .

ب - مواردی که جانی عمدگاری انجام دهد که نوعاً موجب قطع یا جرح عضو باشد هر چند او قصد قطع یا جرح شخص رانداشته باشد .

تیماره ۱ - مواردی که جانی قصد قطع یا جرح عضو را در دو کاری را که انجام میدهد نوعاً موجب قطع یا جرح نمیشد ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری یا پیری یا ناتوانی یا کودکی هر ما موجب قطع یا جرح باشد و جانی نیز به آن آگاه باشد جنایت عمد محسوب میشود .

تیماره ۲ - قطع عضو یا جرح آن سه نوع است . عمد - شبهه عمد - خطا که احکام دنیوی و اخیری در کتاب دیات خواهد آمد .

شرایط قصاص عضو

ماده ۵۹ - شرایط قصاص عضو همان شرایط قصاص نفس است که بیان شد با اضافه

آنکه تساوی اعضاء در سالم بودن و اصلی بودن و همچنین تساوی آنها در محل و آنکه موجب تلف جانی یا زیاده از اندازه جنایت نگردد و نیز در قصاص عضو معتبر می باشد .

تساوی زن و مرد در قصاص عضو

ماده ۵۰- در قصاص عضو ، زن و مرد برابر یکدیگرند و مرد جانی بسبب نقص عضو که به زن وارد گردد به قصاص عضو مانند آن محکوم میشود و تا جائیکه دیه عضو ناقص شده به مثلث دیه کامل برسد چیزی به مر داده نمیشود و اگر دیه عضو ناقص شده بیش از مثلث دیه کامل باشد مانند دیه دست در صورتی مرد جانی مورد قصاص عضو مانند آن قرار میگیرد که نصف دیه آن عضورا به او بدهند .

ماده ۵۱- هرگاه کسی عضو سالم شخصی مانند شل را قطع کند نمیتوان عضو سالم جانی را بعنوان قصاص قطع کرد بلکه باید دیه آن عضو داده شود لکن عضو سالم در برابر عضو سالم قطع میشود .

ماده ۵۲- در قصاص عضو تساوی محل معتبر است باینکه در مقابل قطع دست راست باید دست راست جانی قطع شود و اگر جانی دست راست نداشت میتواند دست چپ او را قطع نمود و چنانچه دست چپ هم نداشته باشد میتواند پای او را قطع کرد .

ماده ۵۳- جرحی که بعنوان قصاص وارد میکنند باید از حیث طول و عرض مساوی با جنایت باشد و حتی الا مکان در عمق نیز مگر جرحی که با استخوان سر برخورد میکند که در این صورت تساوی در عمق لازم نیست و همینکه گفته شود قصاص مماثل جنایت است کافی میباشد .

ماده ۵۴- هرگاه در قصاص جرح رعایت تساوی ممکن نباشد مانند بعضی از جراحات های عمیق یا در موارد شکسته شدن استخوانها یا جابجا شدن آنها بطوریکه قصاص موجب تلف جانی یا زیاده از اندازه جنایت گردد باید دیه آن داده شود خواه مقدار آن دیه شرعا معین باشد خواه با حکم حاکم شرع معین شود .

ماده ۵۵- قصاص عضورا میشود فوراً اجرا نمود و لازم نیست صبر کنند تا وضع جرح روشن شود پس اگر قصاص اجرا شد و جرح منجر به مرگ مجنی علیه گردید در صورتیکه جنایت عمدی باشد جانی به قصاص نفس محکوم میشود لکن قبل از اجرا قصاص نفس باید دیه جرحی که قبلاً بعنوان قصاص عضو بر جانی وارد شده بود داده شود .
کفایت قصاص عضو

ماده ۵۶- برای حفظ تساوی قصاص با جنایت باید حدود جراحات کاملاً اندازه گیری شود تا قصاص به مساوات آن انجام پذیرد و هر چیزیکه مانع از استیفاء قصاص است یا موجب ازدیاد آن میشود باید بر طرف گردد مثلاً اگر موهای محل مانع از استیفاء درست قصاص باشد باید تراشید و نیز اگر باز بودن دست و پای جانی موجب ازدیاد قصاص شود باید آنها را بست .

ماده ۵۷- اگر در اثر حرکت جانی قصاص بیش از جنایت شد قصاص کننده ضامن نیست و اگر بدون حرکت جانی قصاص بیش از جنایت شد در صورتیکه این ازدیاد عمدی باشد قصاص کننده نسبت به آن مقدار زیاد قصاص میشود و در صورتیکه عمدی نباشد دیه یا ارزش آن مقدار زیاد بعهده قصاص کننده میباشد .

ماده ۵۸- اگر گرمی یا سردی هوا موجب سرایت زخم شود باید در هوای معتدل قصاص انجام گیرد .

ماده ۵۹- ابزار قصاص باید تیز و غیر مسموم و مناسب با اجرا قصاصی جرح مخصوص باشد و باید جانی بیش از مقدار جنایت او جانش نیست .

ماده ۷۰- هرگاه شخصی یک چشم کسی را کور کند قصاص میشود گرچه جانی بیش از یک چشم نداشته باشد و با قصاص ناپسند شود چیزی بعنوان دیه باو داده نمیشود .

ماده ۷۱- هرگاه شخصی که دارای دو چشم است یک چشم کسی را که فقط دارای یک چشم است کور نماید مجنی علیه میتواند قصاص کند و نصف دیه کامل را هم دریافت دارد یا از قصاص صرف نظر کند و دیه کامل را بگیرد مگر در صورتیکه مجنی علیه یک چشم خود را قبلا در اثر قصاص از دست داده باشد که در این صورت فقط میتواند قصاص کند و حقوق دریافت چیز دیگری ندارد .

ماده ۷۲- هرگاه شخصی نور چشم کسی را بدون آنکه به حد قصاص او آسیب برساند از بین ببرد فقط نور چشم جانی مورد قصاص قرار میگیرد و نحدقه آن و اگر این قصاص بدون آسیب چشم جانی ممکن نباشد قصاص ساقط میشود و جانی باید دیه آن را بپردازد .

ماده ۷۳- چشم سالم در برابر چشم هائیکما ز لحاظ دیدن متعارف نیستند قصاص میشود .
ماده ۷۴- هرگاه شخصی مقداری از گوش کسی را قطع کند مجنی علیه قسمت جدا شده را بگوش خود بپوشاند قصاص ساقط نمیشود و اگر جانی بعد از آنکه مقداری از گوش او بعنوان قصاص بریده شد آن قسمت جدا شده را به گوش خود بپوشاند هیچ کس نمیتواند آنرا دوباره برای حفظ اثر قصاص قطع کند .

ماده ۷۵- هرگاه شخصی با بریدن گوش کسی شنوایی او را از بین برد در این مورد دو جنابت واقع شده است که تنها قطع گوش جانی کافی نیست .

ماده ۷۶- هرگاه شخصی بینی کسی را قطع کند مجنی علیه میتواند قصاص نماید گرچه بینی مجنی علیه دارای حسن بویائی نباشد .

ماده ۷۷- هرگاه شخصی زبان یا لب کسی را قطع نماید با رعایت تساوی مقدار و محل ، مورد قصاص قرار میگیرد .

ماده ۷۸- هرگاه شخصی دندان کسی را بشکند یا بکند با رعایت تساوی محل اصلی یا زائد بودن آن مورد قصاص واقع میشود و اگر مجنی علیه قبل از قصاص دندان جدیدی در آورد در صورتیکه دندان جدید او سالم باشد چیزی جز تمیز بر جانی نیست و اگر معیوب باشد جانی باید تفاوت بین دندان سالم و معیوب را بپردازد .

ماده ۷۹- هرگاه شخصی عضوی از اعضاء اصلی کسی را قطع نماید باید عضو اصلی مانند آن با رعایت تساوی محل مورد قصاص قرار گیرد و اگر عضو زائدی مانند انگشت زائد کسی را قطع کند باید عضو زائدی مانند آن با رعایت تساوی محل قصاص شود و اگر جانی عضو زائدی مانند عضو زائد مجنی علیه نداشت باید دیه آن را بپردازد .

ماده ۸۰- هرگاه شخصی مثلا دست راست کسی را قطع کند نمیتوان دست چپ جانی را بعنوان قصاص قطع کرد گرچه با توافق مجنی علیه باشد .

حد و مقررات آن

حد کفر مشخصی است که بزهکار بان محکوم میشود

فصل اول حدزنا

ماده ۸۱- هرگاه مردی با زنی که برایش حلال نیست جماع نماید خواه در قبیل خواه در دبر و چه انزال بکند یا نکند زنا حاصل میشود و مرد وزن هر دو زانی شناخته میشوند .
شرایط حدزنا

ماده ۸۲- زنا در صورتی موجب حد میشود که زانی دارای اوصاف زیر باشد .

بلوغ - عقل - اختیار - آگاهی .

پس زناتی نابالغ و دیوانه و اگر او سده و کسینه در اثر اشتباه با زنی زنا نمود یا در اثر ندانستن حکم شرعی با زنی ازدواج کرد که عقد با او مشروع نبود و بان زن جماع کرد موجب

حد نمیشود .

تبصره ۱ هرگاه مردی حرام بودن از دواج با زنی را نداند و احتمال و حرمت آن را ندهد و بدون پرسیدن حکم شرعی با او از دواج نماید و دخول کند محکوم به حد خواهد شد .
تبصره ۲ - هرگاه زنی حرام بودن جماع با مردی را بداند و آن مرد آگاه نباشد و خیال کند که دخول بعاین زن بر او اجازت است و دخول نماید فقط آن زن محکوم به حد زنانباشد نه مرد او اگر مرد آگاه بود زن آگاه فقط آن مرد محکوم به حد زن خواهد بود نه زن .

ماده ۸۳ - هرگاه مرد با زنی که با هم جماع نمودند ادعای اشتباه و ناگاهی کنند در صورتیکه احتمال درست بودن ادعا درباره او داده شود بدون شاهد و سوگند آن ادعا پذیرفته میشود و حد ساقط خواهد بود .

ماده ۸۴ - هرگاه زنی ادعا کند که به زنا کراه شده ادعای او در صورتیکه یقین بر خلاف او نباشد قبول میشود .

راههای ثبوت زنا در دادگاه

ماده ۸۵ - الف - اقرار

(۱)

هرگاه مرد با زنی چهار مرتبه اقرار به زنا کند محکوم به حد زن خواهد شد و اگر کمتر از چهار بار اقرار نماید تعزیر میشود .

ماده ۸۶ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده دارای اوصاف زیر باشد .

بلوغ - عقل - اختیار - قصد .

پس اقرار نا بالغ و دیوانه و مست و مجبور و اشخاصی که قصد ندارد ندانند ساهی - هازل - خوابیده و بیهوش نافذ نیست .

ماده ۸۷ - اقرار باید صریح یا ظاهراً باشد که احتمال عقلانی خلاف داده نشود .

ماده ۸۸ - هرگاه کسی اقرار به زنا کند و بعد انکار نماید حد ساقط نمی شود مگر آنکه اقرار به زنائی کند که موجب حد رجم یا قتل باشد و سپس انکار نماید که در این صورت حد رجم و قتل ساقط می شود .

ماده ۸۹ - هرگاه کسی به زنائی اقرار کند که موجب حد است و بعد توبه نماید ، حاکم میتواند او را عفو کند یا حد بر او جاری سازد .

ماده ۹۰ - هرگاه زنی که همسر ندارد باردار شود به صرف باردار شدن مورد حد قرار نمیگیرد مگر آنکه با یکی از راهبانی که در این قانون آمده زنا او ثابت شود .

ماده ۹۱ - ب - ب - شهادت

زنا با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل با دوزن عادل ثابت می شود . خواه موجب حد جلد باشد خواه موجب حد رجم .

ماده ۹۲ - در مواردی که زنا فقط موجب حد جلد باشد به شهادت دو مرد عادل و یا چهار زن عادل نیز ثابت می شود .

تبصره - گواهی زنها به تنهایی یا بانضمام گواهی یک مرد عادل زنا را ثابت نمی کند بلکه آن گواهان مورد حد افتراء قرار میگیرند .

ماده ۹۳ - گواهی شاهد باید روشن و بدون ابهام باشد .

۱-اولی و احوط آنستکه در چهار مجلس باشد .

ماده ۹۴ - گواهی شاهد باید مستند به مشاهده باشد و گواهی حدسی معتبر نیست .
 ماده ۹۵ - هرگاه شهود خصوصیات مورد شهادت را بیان کنند باید از لحاظ زمان
 یا مکان و مانند آن اختلاف نداشته باشند و در صورت اختلاف بین گواهان زنا ثابت
 نمی شود بلکه آنها به حد افتراء محکوم خواهند شد .
 ماده ۹۶ - شهود باید بدون فاصله زمانی شهادت دهند پس اگر بعضی از آنها
 گواهی دهد و دیگران حضور پیدا نکنند یا گواهی ندهند زنا ثابت نمی شود بلکه گواهی
 دهنده مورد حد افتراء قرار میگیرد .
 ماده ۹۷ - هرگاه زنا از راه گواهی یا اقرار ثابت شود باید حد آن فوراً جاری گردد
 و تاخیر آن بدون عذر موجه مانند بیماری یا بارداری جایز نیست .
 ماده ۹۸ - هرگاه زن یا مرد زانی قبل از اقامه شهادت توبه نماید ، حد از او ساقط
 میشود و اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حد ساقط نمی شود .
 ماده ۹۹ - در مواردی که طرفین زنا هر دو از یکی از اقلیتهای دینی رسمی باشند ،

مثلاً هر دو یهودی یا هر دو مسیحی باشند حاکم شرع میتواند درباره آنها برابر با قوانین
 اسلامی حکم دهند و هم میتواند آنها را به مراجع دینی خودشان ارجاع کند (۱)

اقسام حد زنا اول قتل

- ماده ۱۰۰ - زنا در موارد زیر موجب قتل میشود .
 الف - زنا با محارم نسبی موجب قتل است .
 ب - زنا با زن پدر موجب قتل است .
 ج - زنا با غیر مسلمان با زنی که مسلمان میباشد موجب قتل زانی است .
 د - زنا با عتف و اگرچه موجب قتل زانی اگر امکان ندهد است .
 تبصره - در موارد فوق فرقی بین جوان و پیر و محصن و غیر محصن نیست .
 دوم سنگسار

زنا در موارد زیر موجب سنگسار میشود .
 الف - زنا با زنای مرد محصن یعنی مرد جوانیکه دارای همسر دائمی است و با او جماع
 کرده و هروقت بخواهد با او جماع کند میتواند موجب سنگسار است خواه با بالغ زنا کند
 خواه با نابالغ .
 ب - زنا با زن محصنه یعنی زن جوانی که دارای شوهر دائمی است و جماع با او
 حاصل شده و شوهرش نیز همواره با او رفت و آمد دارد یا مرد بالغ موجب سنگسار است .

(۱) - واجب است احتیاطاً بین آنها برابر با موازین اسلامی حکم کند . و زنا با
 زن محصنه با نفس نابالغ موجب حد تازیانه است نه رجم .
 تبصره ۱ - زنا با مرد یا زنیکه همسر دائمی دارد ولی در اثر مسافرت یا حبس و
 مانند آن در عذرهای موجه به همسر خود دسترسی ندارد ، موجب سنگسار نیست .
 تبصره ۲ - طلاق رجعی قبل از سپری شدن ایام عده ، مرد یا زن را از احصان خارج
 نمی کند ولی طلاق بائن آنها را از احصان خارج مینماید .
 سوم تازیانه

زنا با مردی که زن ندارد و همچنین زنا با پیر که دارای شواظ احصان باشد ،
 موجب میشود که قبل از سنگسار کردن حد تازیانه بر آنها جاری شود .

پنجم تازیانه با تراشیدن سرو تعبد

زناى مردى كه ازدواج كرد لكن دخول نكرد موجب حد تازیانه است با تراشیدن سرو و تعبد از وطن بمدت يكسال به جائي كه حاكم شرع تعيين مى نمايد .

تبصره - در احكام باد شده فرقى بين زناى با زن زنده و مرده نيست .
ماده ۱۰۱ - تكرار زنا قبل از اجراء حد هر چند بازنهائى متعدد باشد ، موجب تكرار حد نمى شود . مگر آنكه زناهاى مكرر از يك نوع نباشد مانند آنكه بعضى از آنها موجب تازیانه بوده و بعضى ديگر موجب سنگسار باشد كهدراينصورت قبل از سنگسار نمودن زانى حد تازیانه براو جارى مى شود .

ماده ۱۰۲ - هرگاه زن با مردى چند بار زنا كند و بعد از هر بار حد براو جارى شود چنين شخصى در مرتبه چهارم كشتى مى شود .

ماده ۱۰۳ - در ايام باردارى و نفاس زن حد قتل با رجم براو جارى نمى شود وهمچنين بعد از وضع حمل در صورتيكه نوزاد كفيل نداشته باشد و بيم شدن او برود ولى اگر كفيل پيدا شود حد براو جارى مىگردد .

ماده ۱۰۴ - زن باردار يا شيرده در صورتيكه اجراء حد تازیانه براو موجب زيان حمل يا زيان شيرخوار گردد اجراء حد بتاخير مى افتد .

ماده ۱۰۵ - هرگاه مريض با زن مستحاضه اى محكوم به قتل يا سنگ شده باشد حد براو جارى ميشود ولى اگر محكوم به تازیانه شد بايد صبر كرد تا بيمارى او برطرف گردد يا زن در استحاضه پاگ شود .

اجراء حد در حال حيض جائز است .

ماده ۱۰۶ - هرگاه بهبودى مريض مورد ابعادوارى نباشد يا حاكم شرع مصلحت بداند كهدر حال مرض حد جارى شود يك دسته تازیانه با تر كهاي كه مشتمل بر صد واحد باشد ، به او زده ميشود گرچه همآنجا بمبدن محكوم نرسد .

ماده ۱۰۷ - هرگاه كسى كه محكوم به حد شد ديوانه يا مرتد شود حد از او ساقط نمىشود .

ماده ۱۰۸ - حد تازیانه را نبايد در هواى بسيار سرد يا بسيار گرم جارى نمود .

ماده ۱۰۹ - حد را نمى شود در سر زمين دشمنان اسلام جارى كرد .

كيفيت اجراء حد

ماده ۱۱۰ - هرگاه شخصى محكوم به چند حد شد بايد آن حدود را بترتيبى اجراء كرد كه هيچكدام در آنها زمينه ديگرى را از بين نبرد مثلا اگر به تازیانه زدن و به سنگسار شدن محكوم شد بايد اول حد تازیانه جارى شود بعدا حد سنگسار .

ماده ۱۱۱ - هرگاه زناى شخصى كه داراى شرائط احسان است با اقرار او ثابت شود ، هنگام رجم نمودن اول حاكم شرع سنگ ميزند بعدا ديگران واگزنناى او به شهادت شهود ثابت شود اول شهود سنگ ميزند بعدا حاكم سبس ديگران .

ماده ۱۱۲ - مرد را در حالى كه باستاده باشد و پوشاكي جز ساتر عورت نپوشيده باشد تمام بدن او غير از سرو صورت و عورت تازیانه زده ميشود ولى زن را در حالى كه نشسته و لباسايش بمبدن او بسته باشد تازیانه ميزند .

ماده ۱۱۳ - مناسب است كه حاكم شرع مردم را از زمان اجراء حد آگاه سازد و لازم است عدماى از مؤمنين كه از سه نفر كمتر نباشند در حال اجراء حد حضور يابند .

ماده ۱۱۴ - مرد را هنگام رجم تا نزديكى كمر و زن را هنگام رجم تا نزديكى سينه در حال اى قرار مى دهند آنگاه رجم مى نمايند .

ماده ۱۱۵ - هرگاه کسی که محکوم به رجم است از چالغای کمدران فرار گرفت، فرار کند در صورتیکه زنا یا به شهادت ثابت شده باشد برگردانده میشود تا حد بر او جاری گردد و اگر بقرا او ثابت شده باشد و فرارش هم بعد از برخورد ولو بک سنگ باشد، برگردانده نمی شود ولی کسی که محکوم به تازیانه باشد و فرار کند در هر حال برگردانده میشود تا حد تازیانه بر او جاری گردد.

ماده ۱۱۶ - سنگ ها در رجم نباید خیلی بزرگ باشد که با رسیدن یک یا دوتای از آنها شخص کشته شود و نباید خیلی کوچک همانند ریگ های ریز باشد که نام سنگ بر آنها صدق نکند و مناسب است که کوچک باشد.

ماده ۱۱۷ - کسی که محکوم به قصاص یا رجم شد قبل از اجرای قصاص یا رجم حاکم - شرع او را امر میکند که غسلی نظیر غسل میت انجام دهد یعنی اول با آب سرد و دوم با آب کافور و سوم با آب خالص غسل کند آنگاه حنوط نماید و کفن بپوشد سپس قصاص یا سنگسار شود و بعد از نماز میت او را بدون غسل در گورستان مسلمین دفن مینمایند و چنانچه دستور را انجام نداد پس از اجراء قصاص یا رجم او را غسل میدهند و حنوط و کفن و دفن میکنند.

ماده ۱۱۸ - حاکم شرع میتواند به علم خود در حق اللهمحق الناس عمل کند و حد الهی را جاری نماید و در حق الله متوقف به درخواست کسی نیست ولی در حق الناس اجراء حد موقوف به درخواست صاحب حق میباشد.

ماده ۱۱۹ - هرگاه کسی در زمان های متبرک مانند ماه رمضان و روز جمع و اعیاد مذهبی یا در مکان های شریف مانند مسجد و حرم و مشاهد مشرفینا کند غیر از حد، تعزیر هم میشود و مقدار آن با ملاحظه خصوصیت های زمانی و مکانی بمنظر حاکم شرع میباشد.

ماده ۱۲۰ - لازم است گواهان هنگام اقامه حد، خواه سنگسار خواه تازیانه حاضر شوند ولی اگر مردند یا غائب بودند حد ساقط نمیشود لیکن اگر فرار کردند حد ساقط میشود.

فصل دوم حد مسکر

ماده ۱۲۱ - هرگاه کسی شراب بخورد محکوم به حد خواهد شد خواه به آشامیدن باشد خواه بخیران و خواه کم یا زیاد و خواه خالص و خواه مزوج با چیز دیگر خواه مست بشود و خواه نشود.

تبصره ۱ - مراد از شراب در این فصل هر چیزی است که مست کننده باشد.

تبصره ۲ - فرقی بین انواع مست کننده نیست خواه از انگور گرفته شود خواه از خرما یا کشمش و باعسل و مانند آن و خواه از یک چیز گرفته شود خواه از چند چیز.

تبصره ۳ - آب جو گرچه مست کننده نباشد در حکم شراب است و موجب حد خواهد بود.

تبصره ۴ - خوردن آب انگوری که خود بجوش آمده یا بوسله آتش یا آفتاب و مانند آن جوشانیده شده گرچه حرام است ولی موجب حد نمی باشد.

شروط حد مسکر

ماده ۱۲۲ - حد مسکر بر کسی ثابت میشود که بالغ و عاقل و مختار و آگاه به مسکر بودن و حرام بودن آن باشد.

تبصره - در صورتیکه ندانستن حکم درباره شراب خوار محتمل باشد محکوم به حد نخواهد شد.

تبصره - هرگاه کسی بداند که خوردن شراب حرام است و آن را بخورد محکوم به حد خواهد شد گرچه نداند که خوردن آن موجب حد میشود .
 ماده ۱۲۳ - هرگاه کسی مضطر شود که برای نجات از مرگ یا جهت درمان بیماری سخت مقداری شراب بخورد محکوم به حد نخواهد شد .
 راههای ثبوت خوردن مسکر در دادگاه

ماده ۱۲۴ - الف - اقرار
 هرگاه کسی دوبار اقرار کند که شراب خورده محکوم به حد مسکر میشود .
 ماده ۱۲۵ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده دارای اوصاف زیر باشد .
 ۱ - بلوغ - ۲ - عقل - ۳ - اختیار - ۴ - قصد .
 ماده ۱۲۶ - ب - شهادت
 هرگاه دومی در عادل گواهی دهد که شخصی شراب خورده محکوم به حد میشود .
 ماده ۱۲۷ - هرگاه یکی از دومرد عادل شهادت دهد که شخصی شراب خورده و دیگری گواهی دهد که او شراب کرد حد ثابت میشود .
 ماده ۱۲۸ - شهادت زن ها به تنهایی یا بهضمیمه مرد حد مسکر را ثابت نمیکند .
 ماده ۱۲۹ - هرگاه گواهان خواستند خصوصیت های شراب خوردن را بیان کنند ، باید بین آنها از لحاظ زمان یا مکان و مانند آن اختلافی نباشد ولی اگر بعضی از آنها به خوردن اصل مسکر و دیگری به خوردن یک نوع خاص آن شهادت دهد حد ثابت میشود .
 تبصره - اقرار یا شهادت در صورتی موجب حد میشود که احتمال عقلانی بر معذور بودن خورنده شراب در بین نباشد .

مقدار حد مسکر

ماده ۱۳۰ - حد شراب خوردن ، هشتاد تازیان است چه مرد و چه زن .
 تبصره - غیر مسلمان فقط در صورت تظاهر به شراب خوردن به هشتاد تازیان محکوم میشود .

کیفیت اجراء حد

ماده ۱۳۱ - مرد را در حالیکه ایستاده باشد و پوشاکی غیر از ساتر عورت نداشته باشد تازیان میزنند و زن را در حال نشسته که لباسهایش به بدن او بسته باشد تازیان میزنند .

تبصره - تازیانه را نباید به سرو صورت و عورت محکوم زد .
 ماده ۱۳۲ - حد وقتی جاری میشود که محکوم از حال مستی بیرون آمده باشد .
 ماده ۱۳۳ - هرگاه کسی چند بار شراب بخورد و حد بر او جاری نشود برای همه آنها یک حد کافی است .

ماده ۱۳۴ - هرگاه کسی چند بار شراب بخورد و بعد از هر بار حد بر او جاری شود ، در مرتبه سوم کشته می شود .
 ماده ۱۳۵ - کسی که محکوم به حد است دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمیشود .
 شرایط سقوط حد با عفو از آن

ماده ۱۳۶ - هرگاه شراب خوار قبل از اقامه شهادت توبه نماید حد از او ساقط میشود ولی اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حد از او ساقط نمیشود .
 ماده ۱۳۷ - هرگاه کسی بعد از اقرار به شراب خوردن توبه کند حاکم می تواند او را عفو نماید یا حد بر او جاری کند .

فصل سوم حد لواط

- ماده ۱۳۸ - لواط وطی انسان مذکر است .
 ماده ۱۳۹ - هرگاه کسی انسان مذکر را وطی کند فاعل و مفعول هر دو محکوم به حد خواهند شد .
 ماده ۱۴۰ - حد لواط قتل است .
 ماده ۱۴۱ - لواط در صورتی موجب قتل میشود که فاعل و مفعول هر یک دارای اوصاف زیر باشد .
 ۱ - بلوغ ۲ - عقل ۳ - اختیار . پس لواط نابالغ و دیوانه و اکراه شده موجب قتل نمیشود .
 ماده ۱۴۲ - هرگاه مرد بالغ و عاقل نابالغی را وطی کند فاعل کشته میشود و مفعول اگر مکره نباشد تاء دیب میگردد .
 ماده ۱۴۳ - هرگاه نابالغی نابالغ دیگر را وطی کند هر دو تاء دیب میشوند مگر آنکه یکی از آنها اکراه شده باشد .
 تبصره - اگر هنگام وطی منی نازل شود علامت بلوغ فاعل خواهد بود .

راههای ثبوت لواط در دادگاه

- ماده ۱۴۴ - الف - اقرار
 هرگاه فاعل یا مفعول چهار بار اقرار به لواط کنند نسبت به اقرار کننده لواط ثابت میشود .
 ماده ۱۴۵ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده دارای اوصاف زیر باشد .
 ۱ - بلوغ ۲ - عقل ۳ - اختیار ۴ - قصد .
 ماده ۱۴۶ - هرگاه فاعل یا مفعول کمتر از چهار بار اقرار به لواط کنند ، حد ثابت نمیشود ولی حاکم او را تعزیر می نماید .
 ب - شهادت .
 ماده ۱۴۷ - هرگاه چهار مرد عادل گواهی دهند که لواط را مشاهده کرده اند لواط ثابت میشود .
 ماده ۱۴۸ - هرگاه کمتر از چهار مرد عادل گواهی دهند لواط ثابت نمی شود و گواهان به حد افتراء محکوم میشوند .
 ماده ۱۴۹ - شهادت زنها به تنهایی یا به ضمیمه مرد لواط را ثابت نمی کند .
 ج - علم حاکم
 ماده ۱۵۰ - حاکم شرع میتواند طبق علم خود که از راههای عقلانی حاصل شود ، حکم کند .
 ماده ۱۵۱ - هرگاه همجنس بازی مردها بدون دخول بلکه با مالیدن ران یا کفیل باشد هر دو محکوم به صد تازیانه میشوند مگر در صورتیکه فاعل غیر مسلمان و مفعول مسلمان باشد که در این مورد فاعل کشته میشود .
 ماده ۱۵۲ - هرگاه همجنس بازی مردها بدون دخول سه بار تکرار شود و بعد از هر بار حد جاری گردد در مرتبه چهارم کشته میشود .
 ماده ۱۵۳ - هرگاه دو مردی که باهم خویشاوندی نسبی ندارند بدون ضرورت در زیر یک پوشش بطور برهنه قرار گیرند ، هر دو بنظر حاکم تعزیر می شوند .
 ماده ۱۵۴ - هرگاه کسی دیگری را از روی شهوت بهوسد ، تعزیر میشود .
 شرائط سقوط حد لواط یا عفو از آن
 ماده ۱۵۵ - هرگاه مرد همجنس باز خواه به دخول و خواه به غیر آن قبل از شهادت

گواهان توبه کند حد ساقط میشود و اگر بعد از شهادت توبه ننماید ، حد ساقط نمیشود .
 ماده ۱۵۶ - هرگاه همجنس بازی با اقرار ثابت شود حاکم شرع میتواند عفو نماید .
 مساحقه

ماده ۱۵۷ - مساحقه ، همجنس بازی زنها است با اندام تناسلی .
 ماده ۱۵۸ - راههای ثبوت مساحقه دردادگاهمان راههای ثبوت همجنس بازی مردها است .

ماده ۱۵۹ - حد مساحقه صد تازیانه است .
 ماده ۱۶۰ - حد مساحقه درباره کسی ثابت میشود که دارای اوصاف زیر باشد . بلوغ - عقل - اختیار - قصد .

تبصره - در حد مساحقه فرقی بین فاعل و مفعول و همچنین فرقی بین مسلمان و غیرمسلمان نیست .

ماده ۱۶۱ - هرگاه مساحقه سه بار تکرار شود و بعد از هر بار حد جاری گردد در مرتبه چهارم کشته می شود .

ماده ۱۶۲ - هرگاه مساحقه کننده قبل از شهادت گواهان توبه کند حد ساقط میشود و اگر بعد از شهادت توبه ننماید حد ساقط نمیشود .

ماده ۱۶۳ - هرگاه مساحقه با اقرار شخصی ثابت شود و توبه کند حاکم شرع میتواند او را عفو نماید .

ماده ۱۶۴ - هرگاه دو زن برهنه زیر یک پوشش قرار گرفتند به کمتر از صد تازیانه تعزیر میشوند و در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر در مرتبه سوم صد تازیانه زده میشود .

حد قیادت

ماده ۱۶۵ - قیادت عبارت از آنست که کسی دو نفر را برای زنا با همجنس بازی مرتبط و جمع کند .

ماده ۱۶۶ - قیادت با دوبار اقرار در صورتیکه اقرار کننده بالغ و عاقل و مختار و قاصد باشد ثابت میشود .

ماده ۱۶۷ - قیادت با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود .

ماده ۱۶۸ - حد قیادت هفتاد و پنج تازیانه و تبعید از محل است که مدت آن را حاکم تعیین میکند .

تبصره - حد قیادت در زن فقط هفتاد و پنج تازیانه است .

حد قذف

ماده ۱۶۹ - قذف عبارت از آنست که کسی زنا یا لواط را به شخصی نسبت دهد .

ماده ۱۷۰ - هرگاه کسی قذف کند محکوم به حد خواهد شد .

تبصره - هرگاه کسی غیر از زنا یا لواط مانند مساحقه و سایر کارهای حرام را به شخصی نسبت دهد ، تعزیر می شود .

ماده ۱۷۱ - قذف باید روشن و بدون ابهام باشد و نسبت دهنده به معنای لفظ آگاه باشد گرچه شنونده آگاه به معنای آن نباشد .

ماده ۱۷۲ - هرگاه کسی به فرزندش که با اقرار او یا از راه شرعی دیگر ثابت شده که فرزند اوست بگوید تو فرزند من نیستی محکوم به حد خواهد شد .

ماده ۱۷۳ - هرگاه کسی به شخصی که از راه شرعی ثابت شده که فرزند پدرش می باشد ، بگوید تو فرزند اونیستی محکوم به حد خواهد شد .

تبصره - در موارد یاد شده فوق هرگاه قرینهای در بین باشد که منظور قذف نیست بلکه مراد آنست که فرزند دارای اوصاف پدر نیست حد ثابت نمیشود .

ماده ۱۲۴ - هرگاه کسی به شخصی نسبت دهد که تو با فلان زن زنا کردی یا با فلان مرد لواط نمودی نسبت به مخاطب قذف خواهد بود و گویند محکوم به حد میشود .

ماده ۱۲۵ - هرگاه کسی بمشخصی چنین گوید - (زن قحبه) یا خواهر قحبه یا مادر قحبه نسبت به کسی که زنا را با او نسبت داد محکوم به حد میشود و نسبت به مخاطب که او را به این دشنام اذیت کرده است تعزیر میشود .

ماده ۱۲۶ - هر دشنامی که باعث اذیت شونده شود و دلالت بر قذف نکند مانند اینکه به زنی بگوید تو باره نبودی یا به شخصی بگوید - فاسق - شراب خوار و مانند آن در صورتیکه مخاطب استحقاق هتک احترام نداشته باشد موجب تعزیر میشود .

ماده ۱۲۷ - قذف در مواردی ثابت میشود که قذف کننده بالغ و عاقل و مختار و قاصد باشد و قذف شونده نیز بالغ و عاقل و مسلمان و عقیف باشد پس اگر قذف کننده فاقد یکی از اوصاف خود باشد یا قذف شونده دارای همه اوصاف خود نباشد ، حد ثابت نمیشود .

ماده ۱۲۸ - هرگاه نابالغ ممیزی کسی را قذف کند تعزیر میشود و همچنین هرگاه بالغ و عاقلی شخص نابالغ یا غیر مسلمان را قذف کند تعزیر میشود .

ماده ۱۲۹ - هرگاه قذف شونده عقیف نباشد و به زنا یا لواط تظاهر کند نهد ثابت میشود و نه تعزیر و اگر به هیچ کدام از این دو تظاهر نکند حد ثابت میشود و اگر فقط به یکی از این دو تظاهر نکند نسبت بمآ نچه تظاهر میکند نهد ثابت میشود و نه تعزیر و نسبت به آنچه تظاهر نمی کند حد ثابت می شود .

ماده ۱۳۰ - هرگاه پدر یا جد پدری فرزندش را قذف کند محکوم به حد نخواهد شد بلکه تعزیر میشود .

ماده ۱۳۱ - هرگاه مردی زنی را که مرده است قذف کند و آن زن وارثی جز فرزند همان مرد نداشته باشد حد ثابت نمیشود و اگر آن زن وارثی غیر از فرزند همان مرد مثلا فرزندی از شوهر دیگر داشته باشد حد ثابت میشود .

ماده ۱۳۲ - هرگاه فرزند ، پدر یا جدش را قذف کند محکوم به حد میشود .

ماده ۱۳۳ - هرگاه مادر ، فرزندش را قذف کند محکوم به حد میشود .

ماده ۱۳۴ - هرگاه خویشاوندان یکدیگر را قذف کنند محکوم به حد میشوند .

ماده ۱۳۵ - هرگاه شخصی چند نفر را بطور جداگانه قذف کند در برابر قذف هر یک جداگانه حد بر او جاری می شود خواه همه آنها با هم مطالبه کنند خواه بطور جداگانه .

ماده ۱۳۶ - هرگاه شخصی چند نفر را به یک لفظ قذف نماید مثلا بگوید - ای زنا کاران - اگر هر کدام آنها جداگانه خواهان حد شوند برای قذف هر یک آنها حد جداگانه خواهد بود ولی اگر با هم خواهان حد شوند فقط یک حد ثابت می شود .

راههای ثبوت قذف

ماده ۱۳۷ - الف - اقرار

قذف با دو بار اقرار ثابت می شود .

ماده ۱۳۸ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده دارای بلوغ و عقل و اختیار و قصد باشد .

ب - شهادت

ماده ۱۳۹ - قذف با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود یا شهادت غیر آنها . حد قذف و کیفیت آن

ماده ۱۴۰ - حد قذف هشتاد تازیانه است خواه قذف کننده مرد باشد یا زن .

ماده ۱۴۱ - تازیانه روی لباس متعارف و بطور متوسط زده میشود نه بشدت زدن در

- تبصره - زنانه را نباید به سرو صورت و عورت قذف کننده زد .
ماده ۱۹۲ - هرگاه کسی چند بار قذف کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می شود .
ماده ۱۹۳ - هرگاه قذف کننده بعد از اجراء حد بگوید آنچه گفتم حق بود تعزیر می شود .
ماده ۱۹۴ - هرگاه یک نفر را چند بار به یک سبب مانند زنا قذف کند فقط یک حد ثابت میشود .
ماده ۱۹۵ - هرگاه یک نفر را به چند سبب مانند زنا و لواط قذف کند چند حد ثابت میشود .

موارد سقوط حد قذف یا عضو آن

- ماده ۱۹۶ حد قذف در موارد زیر ساقط میشود .
۱- هرگاه قذف شونده ، قذف کننده را تصدیق نماید حد ساقط میشود .
۲- هرگاه شهود با نصاب معتبر آن به چیزی که مورد قذف است مانند زنا یا لواط شهادت دهند حد ساقط میشود .
۳- هرگاه قذف شونده یا همه ورثه او قذف کننده را عقوبت نماید حد ساقط میشود و بعدا حق مطالبه حد ندارد .
۴- هرگاه مردی زنی را قذف کند با لعان حد ساقط میشود .
ماده ۱۹۷ - هرگاه دو نفر یکدیگر را قذف کنند خواه قذف آنها همانند باشد خواه فرق کند حد ساقط میشود و هر دو تعزیر میشوند .
ماده ۱۹۸ - حد قذف اگر اجراء با عقوبت شد به وارث منتقل میشود .
ماده ۱۹۹ - حق مطالبه حد قذف به همه وارثان بجز زن و شوهر منتقل میشود و هر یک از وارثان میتوانند آن را مطالبه کنند هر چند دیگران عفو کرده باشند .

تاریخ چاپ ۵۹/۱۲/۲۵